



The Role of BRICS in the Foreign Policy of Iran's Islamic Revolutionary Discourse: Challenges and Imperatives

Razieh Farmani

PhD student in International Relations, Department of Political Science, Qe.c., Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2570199990@iau.ir

0000-0000-0000-0000

Sohrab Salahi

Assistant Professor, Department of Law, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran. (Corresponding author).

2549251261@iau.ir

0000-0000-0000-0000

Mohsen Dianat

Associate Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran.

mdianat.pn@gmail.com

0000-0000-0000-0000

Abstract

BRICS is a group of emerging economies led by Brazil, Russia, India, China, and South Africa. One of the significant issues concerning BRICS is its role and position in the foreign policy of Iran's Islamic Revolutionary discourse. The key question is: What is BRICS's role and position in Iran's foreign policy discourse, and what are the challenges and imperatives of Iran's cooperation with this bloc? This descriptive-analytical study, conducted through library research, addresses this question. The findings indicate that several factors underscore the importance of BRICS in Iran's foreign policy, including: increased leverage on the global stage through multilateralism to prevent international consensus against Iran's interests and national security; convergence opportunities with powers rivaling the hegemon; emerging economies' demand for energy, markets, and Iran's sphere of influence in Central Asia and the Caucasus; and Iran's unique geopolitical position as the converging point of West Asia, the Caucasus, Central Asia, South Asia, the Middle East, and Europe. For Iran to maximize BRICS's potential as one of the emerging international organizations shaping the transition from a unipolar to a multipolar political and economic system, it requires economic growth and enhanced domestic production capacity.

Keywords: BRICS, foreign policy of the Islamic Republic, multipolar system, economic diplomacy.







مقاله پژوهشی

جایگاه بریکس در سیاست خارجی گفتمان انقلاب اسلامی ایران؛ چالش‌ها و ضرورت‌ها


راضیه فرمانی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.
2570199990@iau.ir  0000-0000-0000-0000

سهراب صلاحی

استادیار، گروه حقوق، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
2549251261@iau.ir  0000-0000-0000-0000


محسن دیانت

دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
mdianat.pn@gmail.com  0000-0000-0000-0000

چکیده:

بریکس نام گروهی از کشورها به رهبری قدرت‌های اقتصادی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی نوظهور است. یکی از موضوعات مهم در خصوص بریکس، نقش و جایگاه آن در سیاست خارجی گفتمان انقلاب اسلامی ایران است؛ اینکه نقش و جایگاه بریکس در سیاست خارجی گفتمان اسلامی ایران و چالش‌ها و ضرورت‌های همکاری ایران با بریکس چیست؟ این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که افزایش قدرت مانور در صحنه جهانی با توجه به بروز و ظهور چندجانبه‌گرایی جهت جلوگیری از اجماع جهانی علیه منافع و امنیت ملی کشور امکان همگرایی با قدرت‌های رقیب قدرت هژمون، نیاز قدرت‌های نوظهور اقتصادی به انرژی و بازار و حوزه نفوذ ایران در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی ایران به‌عنوان نقطه تلاقی آسیای غربی، قفقاز و آسیای مرکزی و آسیای جنوبی و خاورمیانه و اروپا از مهم‌ترین دلایلی اهمیت جایگاه بریکس در سیاست خارجی گفتمان اسلامی ایران است. ایران برای استفاده از ظرفیت‌های بریکس به‌عنوان یکی از نهادهای نوظهور بین‌المللی که در راستای گذار از نظام تک‌قطبی به نظام چندقطبی سیاسی و اقتصادی نیازمند رشد اقتصادی و تولید است.

واژگان اصلی: بریکس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نظام چندقطبی، دیپلماسی اقتصادی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است. 

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی  CC BY 4.0 International

Doi: 10.22034/irsj.2025.492875.1082

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را باید به صورت تاریخی بررسی کرد؛ زیرا ایران در نقطه‌ای از جهان واقع شده است که سیاست‌های بین‌المللی به شدت بر آن تأثیر می‌گذارد از سوی دیگر وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ گفتمان جدیدی را در ادبیات سیاسی ایران مطرح کرد که بر مبنای آن روابط خارجی نیز مورد بازبینی ویژه‌ای قرار گرفت. کارکرد اصلی سیاست خارجی مبتنی بر منافع ملی و همچنین مقابله با تهدیدات امنیت ملی است بنابراین در تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر روابط خارجی باید به مؤلفه‌های امنیت‌سازی، قدرت و مقابله با مشکلات موجود در محیط بین‌الملل توجه کرد. در همین حال «بحران مالی ۲۰۰۸ و سپس بحران اقتصادی جهانی بعد از کرونا، فصل جدیدی در قدرت‌نمایی قدرت‌های نوظهور در حوزه اقتصاد جهانی پدید آورد. اثرپذیری کمتر اقتصادهای بریکس از پیامدهای بحران مزبور به ارتقای جایگاه آن‌ها در اقتصاد جهانی کمک کرد و زمینه درخواست قدرت‌های سنتی از این قدرت‌ها را برای نقش‌آفرینی در مدیریت پیامدهای این بحران فراهم آورد. یکی از آثار این بحران ایفای نقش اقتصادهای بریکس در بازسازی ثبات مالی جهانی و زمینه‌سازی برای تقویت جایگاه آن‌ها در نهادهای اقتصادی و مالی چندجانبه و بین‌المللی است که آثار آن بر روند جابه‌جایی قدرت و بازتعریف نظم جهانی، انکارناپذیر است» (فاطمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵). به نظر می‌رسد قدرت‌های نوظهور، با تداوم رشد اقتصادی، حوزه نفوذ و قدرت چانه‌زنی و تصمیم‌سازی و بازیگری خود در نظام بین‌الملل را افزایش داده و به تدریج به مرکزی اثرگذار در سیاست و اقتصاد بین‌الملل تبدیل می‌شوند. از این رو، اگرچه قدرت‌یابی قدرت‌های نوظهور به گسست بنیادی در نظام بین‌الملل موجود منجر نشده است؛ اما تردیدی نیست که منافع و جهان‌بینی‌های متفاوت بازیگران غیرغربی در مقام مؤلفه جدید محیط بین‌المللی، می‌تواند تغییراتی را در آرایش و سرشت سیاست جهانی پدید آورد (سلیمان‌پور و مولایی، ۱۳۹۲: ۱۰).

بریکس به‌عنوان مجمعی از کشورهایی که در مسیر توسعه اقتصادی و انسانی به‌جایگاهی دست‌یافته‌اند که آن‌ها را سایر کشورهای در حال توسعه متمایز می‌نماید، با

ایجاد نهادها و سازوکارهای اقتصادی از جمله صندوق ارزی و بانک جهانی مانند بانک توسعه نوین، ضمن تقویت قدرت درونی اعضای بریکس سازوکارهای نظام مسلط اقتصادی جهانی را به چالش کشیده است. از این دیدگاه بریکس یک واقعیت غیرقابل انکار است که ایران از اول ژانویه ۲۰۲۴ به آن پیوسته است و لازم است سازوکارهای بهره‌گیری از آن بررسی شود؛ اما باید مراقب بود که در ارزیابی از قدرت بریکس و قدرت‌های نوظهور راه افراط نپیمود. در خصوص بریکس، پژوهش‌های متعددی انجام شده است: شاکری‌فر، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی روابط تجاری، سیاسی و فرهنگی دوجانبه منطقه‌ای بین ایران و بلوک نوظهور بریکس (قبل و بعد از تشکیل بلوک تا پایان سال ۲۰۱۸)» بیان می‌کند که در عصر حاضر منطقه‌گرایی یکی از سیاست‌های محوری دولت‌ها محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد برای پیاده‌سازی اهداف اقتصادی و سیاسی آن‌ها امری لازم و ضروری است (شاکری‌فر، ۱۴۰۱). همچنین سیمبر و رضاپور، در پژوهشی تحت عنوان «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل چندقطبی: مطالعه موردی گروه بریکس» بیان می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از فرصت ساختاری تضعیف هژمون و با توجه به درگیری آمریکا در غرب آسیا و مشکلات متعدد داخلی و خارجی از یکسو و از سوی دیگر به سبب ناکامی در حل منازعه اسرائیلی- فلسطینی و با پشت‌گرمی عضویت در بریکس می‌تواند به دنبال تقویت نقش رهبری مشروع خود در معادلات منطقه غرب آسیا برآید و به‌نوعی نفوذ مثبت خود در منطقه غرب آسیا را نهادینه کند (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۹).

خردمندان و همکاران نیز، در پژوهشی تحت عنوان «عضویت جمهوری اسلامی در بریکس؛ محدودیت‌ها و فرصت‌ها بیان می‌کنند گروه بریکس، بنا بر کسب منافع ملی خود، ایران را در مقابل عربستان می‌بیند و تمایل دارد وزنه تعادلی را بین این دو کشور در خصوص روابط خود ایجاد کند و از طرف دیگر اقتصاد شکننده ایران بعد از تحریم‌های خروج از برجام از طرف آمریکا را چندان نمی‌پسندد و به دنبال کسب منافع بیشتر در خاورمیانه و حوزه انرژی است که در این بین عربستان را در نظر دارد (خردمندان و همکاران، ۱۳۹۹).

تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های مورد اشاره این است که اولاً پژوهش‌ها انجام شده برای چندین سال قبل بوده و تحولات جدید را پوشش نمی‌دهد و از طرفی در این مقاله تلاش شده، جایگاه بریکس در سیاست خارجی گفتمان انقلاب اسلامی ایران ضمن چالش‌ها و ضرورت‌ها بررسی شود. پژوهش حاضر، ضمن پذیرش بریکس به‌عنوان یک واقعیت مسلم صحنه جهانی و تایید نقش غیرقابل انکار آن و تأثیرگذاری این پدیده بر سایر تحولات اقتصادی و سیاسی جهانی، با طرح این سؤال اصلی که جایگاه و اهمیت گروه بریکس در سیاست خارجی گفتمان انقلاب اسلامی ایران چگونه است؟ تلاش می‌نماید، تا شرایط و الزامات برقراری روابط سودمند مابین سیاست خارجی گفتمان اسلامی ایران و گروه بریکس را معرفی نماید.

۱. چهارچوب نظری؛ نظم نوین جهانی (نظام چندقطبی)

نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم بر دو پایه کشورهای حوزه یوروآتلانتیک (اروپای غربی و آمریکای شمالی) و بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته بود. نظم دو قطبی هر بازیگر دیگری در جهان را به نزدیکی به یکی از این دو محور قدرت وادار ساخته و تلاش‌هایی همچون اتحاد غیرمتعددها نیز عملاً در طی نظم جنگ سردی راه به‌جایی نبرد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا به‌عنوان تک قطب جهان و با عناوینی همچون نظم نوین جهانی و نظم بین‌المللی لیبرال، خود را یگانه رهبر و تنظیم‌گر جهان معرفی کرده و هژمونی غرب بیش از پیش تثبیت شد؛ اما شاهد شکل‌گیری نوع نظم نوین جهانی هستیم که نظام تک‌قطبی در حال گذار به نظام چندقطبی است. آمریکا به‌عنوان ابرقدرت نظام تک‌قطبی در لشکرکشی به منطقه تحت دو عنوان نظم نوین بین‌المللی (۱۹۹۱) و شکل‌دهی خاورمیانه بزرگ آمریکا (۲۰۰۱)، دچار شکست فاحش گردید. این کشور بعد از بیست سال حضور در افغانستان، با شکست فاحش در این کشور، افغانستان را به نیروهای طالبان واگذار کرد. علاوه بر این، رشد قدرت چین و تحولات در آسیا: جهش چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی و نظامی جهان، تغییرات بزرگی در نظم سیاسی جهان ایجاد کرده است. این تحولات شامل تحولات اقتصادی و نظامی تا حد بیشتر و فرهنگی در سطح محدودتر است.

در غرب آسیا، رخدادهای اثرگذار این منطقه، از جمله جنگ‌های نیابتی پرهزینه در سوریه و یمن و ناکامی ابرقدرت‌های جهانی در برخورد با آن‌ها، حرکت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به سمت سیاست خارجی مستقل و عمل‌گرایانه، پایداری و مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم‌های بی‌سابقه و همه‌جانبه آمریکا و بی‌اثر کردن نسبی این تحریم‌ها، پیشرفت‌های چشمگیر ایران در حوزه پهپادی و موشکی و مواردی از این دست، از جمله تحولات مهمی بوده‌اند که بر جایگاه و پرستیژ ابرقدرت‌ها در نظام جهانی، شیوه‌های سنتی حل و فصل منازعات و ماهیت نظام بین‌الملل تأثیرات جدی داشته‌اند. تغییرات در روابط بین‌المللی از جمله ناکامی قدرت‌های بزرگ در مواجهه با برجام، انشقاق در اتحادیه اروپا با خروج انگلیس از این اتحادیه، پیشتازی چین در عرصه‌های اقتصادی، خیزش روسیه برای بازیگری فعال و کنشمند در مناطق استراتژیک نیز از دیگر عواملی هستند که به تغییر در نظم جهانی کمک کرده‌اند (سیمبر، ۱۳۹۹: ۱۴-۱).

در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای که هم در تغییر نظم بین‌المللی حاکم اثرگذار بوده و هم از تبعات این تغییر تأثیر می‌پذیرد، باید از آمادگی لازم برای مواجهه کنشمند و نقش‌آفرینی در این تحولات برخوردار باشد. قدرت‌های نوظهور، هنوز در آغاز فرایند قدرت‌یابی قرار داشته و به‌رغم موانع و چالش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجود، اینک فرایند هویت‌سازی بین‌المللی را طی می‌نمایند که فرجام آن، نقش‌آفرینی در اقتصاد و سیاست جهانی از مجرای بازتوزیع نقش، نفوذ و قدرت، در حوزه‌های مختلف نظام بین‌الملل خواهد بود. از این رو، یکی از آثار قدرت‌یابی بازیگران جدید، طرح موضوع جابه‌جایی یا چرخش قدرت، میان قدرت‌های سنتی و قدرت‌های نوظهور در این رهگذراست (منصوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۹). به نظر می‌رسد؛ قدرت‌های نوظهور، با تداوم رشد اقتصادی، حوزه نفوذ، قدرت چانه‌زنی، تصمیم‌سازی و بازیگری خود را در نظام بین‌الملل افزایش داده و به تدریج، به مرکزی اثرگذار در سیاست و اقتصاد بین‌الملل تبدیل می‌شوند. نظریه نظم نوین جهانی (نظام چندقطبی) می‌تواند شکل‌گیری بریکس و نظم جدید را تحلیل کند. زیرا ادعای این نظریه‌های این است که مفهوم‌پردازی متکثر و چندبعدی از نظم جهانی کنونی بهتر از مفهوم‌پردازی تک‌بعدی قادر

است گذار قدرت و هژمونی و نیز گذار از نظریات روابط و اقتصاد سیاسی بین‌الملل آمریکا محور را به تصویر کشیده و از این رهگذر درک بهتری از خیزش بریکس به ما بدهد. همکاری و منازعه می‌تواند در ابعاد مختلف و هم‌زمان بین قدرت‌های در حال خیزش و قدرت‌های تثبیت‌شده رخ بدهد. احتمال بروز تنش و تنازع بین دو قدرت در حال خیزش که از نظر جغرافیایی به یکدیگر نزدیک هستند بیشتر از احتمال بروز تنش بین یک قدرت در حال خیزش و قدرت‌های تثبیت‌شده است.

۲. جایگاه و اهمیت بریکس در سیاست خارجی گفتمان اسلامی ایران

بریکس، یک سازمان بین‌دولتی با عضویت برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، مصر، اتیوپی و امارات متحده عربی، ایران و اندونزی و بولیوی و عربستان سعودی و نیجریه است. در این قسمت به بررسی جایگاه و اهمیت بریکس در سیاست خارجی گفتمان اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

۲-۱. تلاش بریکس برای ایجاد نظم جهانی چندقطبی

با توجه به این موضوع سیاست خارجی ایران یک ماهیت خاص دارد که می‌توان گفت اسلامی بودن بیانگر هویت جمهوری اسلامی و تعیین‌کنندگی منافع و اهداف سیاست خارجی و چگونگی هدایت سیاست خارجی آن را دارد. اسلام ماهیت متفاوتی به نظام سیاسی در ایران داده است که بر پایه ایدئولوژی اسلامی بنا شده است یعنی انقلاب اسلامی ایران از ماهیت دینی و اسلامی برخوردار است نه سکولار و مشروعیت خود را از دین می‌گیرد.

بر همین مبنا سیاست خارجی گفتمان انقلاب اسلامی، یک نوع سیاست خارجی تجدیدنظرطلب است و درصدد تغییر نظم موجود است. بریکس زمینه تحقق چنین رویکردی را فراهم می‌کند. پافشاری در مخالفت با نظم و نظام موجود در قالب سیاست «آمریکاستیزی» باعث رویارویی جمهوری اسلامی با آمریکا و متحدان آن و نزدیکی به کشورهای ناراضی از نظم موجود روسیه و چین در قالب سیاست «نگاه به شرق» شده است.

بریکس به‌عنوان یک نهاد همگرایی میان قدرت‌های نوظهور متشکل از کشورها و بازارهای در حال ظهوری است که از قاره‌های مختلف گردهم آمده‌اند و تلاش دارند ضمن گسترش همکاری و تعامل بین اعضا، منافع و اهداف مشترک تعریف نمایند و مواضع خود را در درون بریکس و خارج از آن در گستره بین‌المللی هماهنگ نمایند تا بتوانند در قالب یک قدرت جمعی ضمن کسب سهم بیشتری از قدرت جهانی، نظام را به سمت سیستم چندجانبه سوق دهند که در آن قدرت میان بازیگران مختلف تقسیم گردد و امکان حضور بازیگرانی با میزان قدرت متفاوت وجود داشته باشد. چین به‌عنوان یکی از کشورهای عضو این ائتلاف بین قاره‌ای به دلیل جایگاه مطلوب سیاسی و اقتصادی جهانی نسبت به سایر اعضا از قدرت و توان بیشتری برخوردار است (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۵: ۳۴).

«پنج کشور بنیان‌گذار بریکس تأکید دارند که بریکس در ایجاد نظم جهانی چندقطبی مشارکت دارد در بیانیه مشترک روسیه و چین که در آوریل ۱۹۹۷ برای ایجاد جهان چندقطبی به تصویب رسید چشم‌انداز بریکس از جهان چندقطبی است در این بیانیه، اعضا در تلاش برای گسترش جهان چندقطبی و ایجاد نظم بین‌المللی جدید هستند. همه کشورها، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی، قوی و ضعیف در جامعه بین‌المللی برابری و هیچ کشوری نباید در جست‌وجوی هژمونی باشد و مشارکت در روابط قدرت در نظم بین‌المللی نباید انحصاری باشد؛ یک ابرقدرت بر نظام جهانی مسلط است که قدرت نظامی و اقتصادی را در اختیار دارد (احمدی و ریاضی، ۱۴۰۲: ۱۴۱). در طول تاریخ، بریتانیا ابرقدرت قرن هجدهم و آمریکا ابرقدرت قرن بیستم میلادی بوده است. کشورهای بریکس خود را به‌عنوان موجودیتی کم‌وبیش خارج از ساختار نظام جهانی می‌دانند و در بسیاری موارد با نمایندگان قدرت‌های قدیمی غرب به‌طور کلی، آمریکا به‌طور خاص مواجه می‌شوند. در سیستم در حال ظهور چندقطبی، بازیگران بزرگی مانند چین و روسیه از قدرت اقتصادی به‌عنوان ابزار دیپلماتیک خود برای نفوذ در منافع سیاسی و اقتصادی غرب استفاده می‌کنند».

با در نظر داشتن اهداف و انگیزه‌های تشکیل گروه بریکس که در بردارنده نیات این گروه در مقابله با استیلا و هژمون ایالات متحده آمریکا بر نظام بین‌الملل است. استراتژی این گروه ایجاد و برقراری توازن و موازنه‌ای جدید مابین قدرت‌های در حال ظهور و ایالات متحده آمریکا است. با توجه به برتری نظامی آمریکا و تجربیات تلخ و خسارت‌بار جامعه بشری از اقدام قدرت‌های ناراضی و تجدیدنظرطلب در چهارچوب استراتژی موازنه، سخت قدرت‌های جدید به‌منظور مقابله با قدرت هژمون و برقراری موازنه مابین قدرت‌های مطرح در نظام بین‌الملل، استراتژی جدیدی را تحت عنوان استراتژی موازنه نرم مطرح کردند.

«موازنه نرم به هر نوع تلاش غیرمستقیم و غیرنظامی برای کاهش توانایی قدرت برتر و افزایش قدرت خود اطلاق می‌شود. از نظر استفان والت، موازنه نرم در برگیرنده هماهنگی آگاهانه اقدامات دیپلماتیک به‌منظور دستیابی به نتایجی برخلاف خواسته‌های قدرت برتر می‌شود؛ نتایجی که بدون حمایت موازنه‌کنندگان به دست نمی‌آید به عبارتی موازنه نرم یعنی مجموعه‌ای از اقدامات دولت‌های ضعیف‌تر در مقابل قدرت برتر که به‌گونه‌ای مستقیم برتری نظامی قدرت برتر را به چالش نمی‌کشند، بلکه به‌صورت غیرمستقیم با خنثی کردن مقاصد یا به تأخیر انداختن اجرای برنامه‌ها افزایش هزینه‌ها و تحلیل بردن توان منجر به مهار قدرت برتر می‌شود. موازنه در قبال قدرت برتر تنها توسط یک دولت امکان‌پذیر نیست، بلکه باید توسط حداقل چندین قدرت درجه دو انجام شود؛ زیرا هیچ یک از دولت‌ها به‌تنهایی آن قدر توانایی ندارد که به موازنه با قدرت برتر بپردازد» (شیرخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

«موازنه نرم دارای دو شکل درونی و بیرونی است. در شکل درونی به بسیج درونی و نیز تلاش‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی یک دولت با هدف افزایش توانایی برای رویارویی با تهدیدهای مطرح شده از سوی قدرت برتر تأکید می‌شود؛ مانند تقویت قدرت اقتصادی که در این سطح بررسی می‌شود. درحالی‌که در شکل بیرونی بر تلاش‌های دیپلماتیک از قبیل اقدامات مبتنی بر همکاری‌های موقت و همکاری در نهادهای بین‌المللی

از طریق ابزارهای مشروعیت‌زدایی، عدم واگذاری سرزمین و عدم همکاری تأکید می‌شود» (شیرخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

از اولین اجلاس بریکس در یکاترینبورگ در سال ۲۰۰۹ این گروه دو هدف عمده را مورد توجه قرار داده است. نخستین هدف تأکید بر ایفای نقش محوری از طریق اجلاس گروه ۲۰ به منظور حل بحران‌های بین‌المللی بود که این امر موجب ارتقای گروه ۲۰ به عنوان یک مرجع بین‌المللی در حل بحران‌های مالی و ترویج سیاست همکاری و مباحث سیاسی و نیز به حاشیه رانده شدن نهادهای مسلط غربی همچون گروه ۷ در حل مسائل اقتصادی بین‌المللی و به موازات آن درخواست تجدیدنظر در ساختار و افزایش سهم اعضای قدرتهای نوظهور در مدیریت مالی و اقتصادی جهانی بود. دومین هدف این گروه نیز حمایت بیشتر از نظم جهانی چندقطبی و دموکراتیک بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل، به برابری احترام متقابل، همکاری اقدام هماهنگ و تصمیم‌سازی جمعی همه دولت‌ها تأکید دارد. این اصل در تمایل مشترک اعضای این گروه در راستای مقابله با جهان تک‌قطبی که در آن ایالات متحده قدرت برتر است تجلی یافته است» (Ramazani, 2013: 2).

در این چهارچوب اقدامات گروه بریکس طی دوره هفت ساله فعالیتش متوجه افزایش قدرت درونی، تجمیع قدرت اقتصادی کشورها در قالب قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و تأسیس نهادهای اقتصادی از جمله بانک جدید توسعه و صندوق ذخایر مشترک و تلاش برای ایجاد مکانیسم‌های نظارتی جدید بر عملکرد اقتصادهای غربی و اقتصادهای در حال توسعه بوده است (Lavelle, 2013: 1).

در زمینه مسائل سیاسی بریکس با تمرکز بر دو محور درخواست افزایش نقش محوری کشورهای عضو در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و از جمله حمایت از عضویت برزیل، آفریقای جنوبی و هند به عنوان عضو دائم شورای امنیت، به دنبال ایجاد موازنه‌ای در مقابل قدرتهای غربی حاضر در شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند.

کشورهای برزیل، هند و آفریقای جنوبی معتقدند ساختار سیاسی و اقتصادی کنونی نظام بین‌الملل منافع و علایق کشورهای در حال توسعه را تأمین نمی‌کند؛ این کشورها با به‌کارگیری سازمان‌های بین‌المللی درصدد به چالش کشیدن نظم فعلی به رهبری ایالات متحده آمریکا و تغییر هنجارهای مسلط بر آن هستند (مرزبانی و پلونده، ۱۳۹۹: ۱۸).

یکی دیگر از زمینه‌های همکاری بین اعضای بریکس در چهارچوب سیاست موازنه منفی عدم همکاری اعضای بریکس با قدرت برتر است. عدم همراهی و مشارکت اعضای بریکس با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در مبارزه با تروریسم با مشخصات و مختصات مورد نظر آمریکا و عدم تقبل هزینه‌های مرتبط به آن از جمله لشکرکشی‌های آمریکا به عراق، لیبی، سودان و سوریه، عدم همراهی کامل بریکس با سیاست تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران در موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مخالفت گروه بریکس با ریاست انحصاری آمریکا بر بانک جهانی در سال ۲۰۱۲ و ریاست صندوق بین‌المللی پول نمونه‌ای از همکاری‌های اعضای این گروه در مقابله با قدرت هژمون است (Lukyanov, 2013: 5).

اگرچه به نظر عده‌ای از صاحب‌نظران مقتضیات و تغییرات نظام بین‌الملل و جهان سیاست نقش برتری در شکل‌گیری گروه بریکس از الزامات و مقتضیات داخلی هر کشور به‌عنوان انگیزه‌ای برای پیوستن به این گروه داشته است (Lukyanov, 2013: 5)، اما شرایط داخلی کشورهای عضو نیز عامل مهم و اثرگذار است که باید مورد توجه قرار گیرد. ظهور طبقه متوسط در کشورهای عضو بریکس با توجه به پیش‌بینی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی که در سال ۲۰۵۰، نیمی از مردم طبقه متوسط جهان در دو کشور چین و هند زندگی خواهند کرد، در کنار افزایش قیمت مواد غذایی نرخ سرسام‌آور مسکن در هند و افزایش تدریجی جمعیت سالمندان در چین که تهدیداتی را متوجه ثبات اقتصادی این کشورها می‌نماید، یافتن ظرفیت‌های جدید برای تضمین رشد اقتصادی امری اجتناب‌ناپذیر است. از نظر این کشورها این ظرفیت‌ها را می‌توان از طریق تجمع ظرفیت‌های موجود در اقتصادهای نوظهور تضمین نمود (زمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

یکی دیگر از انگیزه‌ها و زمینه‌های همکاری میان کشورهای عضو بریکس بازار جذاب سرمایه کشورهای عضو و به‌ویژه بازار سرمایه برزیل، آفریقای جنوبی برای چین است.

اقتصاد چین که در حال گذر از اقتصادی مبتنی بر تولید کالای ارزان قیمت به اقتصاد مبتنی بر صدور سرمایه است بازارهای بکر و دست نخورده برزیل و آفریقای جنوبی را به عنوان بازار مقصد و به عنوان مرکز توزیع سرمایه در آمریکای جنوبی و آفریقا هدف گذاری کرده است. از سوی دیگر این دو کشور نیز که تجربیات تلخی از دوران ورود سرمایه های غربی به کشورشان دارند ترجیح می دهند در مقابل سرمایه های غربی، از سرمایه های چین به عنوان رقیب و عامل توازن کننده قدرت اقتصادی غرب در کشورشان سود برند.

۲-۲. رشد اقتصادی و توسعه پایدار

جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور و در عین حال رشد اقتصادی از دیگر شاخص های سیاست خارجی گفتمان انقلاب اسلامی است. اجرای یک سیاست خارجی موفق نیازمند پشتیبانی قوی داخلی چه در بحث فضای مدیریتی و چه در بحث اجرایی است. اگرچه امروزه در سایه تحول مفاهیم برداشت از مفهوم قدرت تغییراتی کرده است و از قدرت از جنبه سخت افزاری خود به سمت قدرت نرم افزاری میل کرده است اما این تحول به معنی نفی قدرت سخت افزاری نیست قدرت نرم افزاری تنها در صورتی می تواند کارایی داشته و ایفای نقش نماید که قدرت سخت افزاری نیز حاصل شده باشد. در گذشته برداشت از قدرت سخت افزاری معمولاً قدرت نظامی بود؛ اما امروزه قدرت اقتصادی و توانمندی اقتصادی مهم ترین جنبه قدرت سخت افزاری محسوب می شود؛ در واقع با توجه به تغییر پویس های جهانی از کشورگشایی و جنگ های منجر به توسعه قلمرو سرزمینی، پویس های منجر به ایجاد نفوذ، قدرت اقتصادی و پس از آن قدرت سیاسی و فرهنگی به مؤلفه های اصلی قدرت تبدیل شده است.

امروزه کشورهایی قدرتمند محسوب می شوند که بتوانند ضمن ایجاد فرصت برای توسعه اقتصادی روند توسعه اقتصادی را به روندی پایدار تبدیل نمایند (دلاور و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۴). از این رو مهم ترین الزام برای سیاست خارجی ایران در موقعیت فعلی ارائه تعریفی از الگوی توسعه ای کشور و مبانی قدرت در کشور است. اگر چنانچه تعریف ما از قدرت به سمت قدرت اقتصادی و سپس قدرت نرم افزاری باشد، آنگاه

سیاست خارجی کشور باید ماهیت توسعه محور و اقتصادی داشته باشد و در این صورت ویژگی‌های خاص خود را خواهد داشت. با این مقدمه می‌توان اظهار داشت که مهم‌ترین انتظار از تصمیم‌گیران این است که در خصوص تعیین خط‌مشی کلی کشور از تفکرات سنتی مربوط به قدرت فاصله بگیرند.

بریکس در آمار و ارقام مجموعه کشورهای عضو بریکس از نظر وسعت، جمعیت، حجم اقتصاد و تولید ناخالص داخلی سهم چشمگیری در سطح جهانی دارد. به همین دلیل نزدیک‌تر شدن این کشورها در یک گروه بیش‌ازپیش پیش‌بینی شده بود و سبب حدس‌هایی در مورد همکاری بین آن‌ها در آینده شده است. بر اساس اعلام بانک جهانی تجارت بین اعضای بریکس در ۲۰۱۲ به میزان ۲۸۲ میلیارد دلار بود که تا ۲۰۱۵ می‌تواند به ۵۰۰ میلیارد برسد. این در حالی است که این رقم در سال ۲۰۰۲ فقط ۲۰ میلیارد دلار بوده است. میزان ذخایر طلا و ارز خارجی کشورهای عضو بریکس نیز حدود ۴/۴ تریلیون دلار است که حدود ۴۰ درصد کل این ذخایر را تشکیل می‌دهد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۸).

اعضای بریکس در سال ۲۰۱۶ توافق کردند مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار از ذخایر ارزی خود را در چهارچوب ترتیبات ذخایر احتیاطی اعضا، به کار گیرند. قرار است این مبلغ به‌عنوان خطوط اعتباری قابل معاوضه توسط اعضا در زمان لازم مورد استفاده قرار گیرد. چین ۴۱ میلیارد دلار را تأمین می‌کند و روسیه، برزیل و هند هرکدام ۱۸ میلیارد دلار را تأمین می‌کنند سهم آفریقای جنوبی نیز ۵ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است؛ بنابراین می‌توان گفت در این سازوکار، مالی برخلاف بانک توسعه جدید بریکس، سهم اعضا یکسان نیست و چین بیشترین تعهد را قبول کرده است. هدف اصلی این سازوکار این است که سازوکاری حمایتی را از طریق تأمین نقدینگی در مواقع بروز فشارهای کوتاه‌مدت واقعی یا بالقوه در موازنه پرداخت‌های کشورهای عضو ارائه کند Ministry of External Relations of (Brazil, 2015: 67).

اگر حجم این ذخایر احتیاطی با دیگر سازوکارهای مشابه بین‌المللی مقایسه شود می‌توان گفت این سازوکار از نظر توانمندی در سطح متوسط قرار داد. چراکه حجم ذخایر

احتیاطی صندوق بین‌المللی پول ۷۸۰ میلیارد دلار و حجم سازوکار موسوم به ابتکار چندجانبه چینگ مای ۲۴۰۰ میلیارد دلار است.

اکنون جهان شاهد شکل‌گیری بلوکی نسبتاً نیرومند در عرصه اقتصاد بین‌الملل است که مطالب آن‌ها صرفاً اقتصادی نخواهد ماند، بلکه در عرصه سیاست بین‌الملل نیز خواهان حضور پررنگ‌تری برای نقش‌آفرینی می‌باشند. در عصر به هم‌پیوستگی اقتصادها و ارتباطات شبکه‌ای کشورها به همدیگر به خصوص کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور آن‌ها به خوبی آگاهند که به‌تنهایی نمی‌توانند در معادلات جهانی اثرگذار باشند؛ از این‌رو شکل‌گیری سازوکارهایی مانند بریکس، مبین تمایلات این‌گونه کشورها برای حرکتی جمعی و مشترک در برابر یکه‌تازی اتحادیه اروپا، آمریکا و شرکای راهبردی آن‌ها در اقتصاد و سیاست بین‌الملل است (میرترابی و فلاح، ۱۴۰۲: ۵۲) که بدون شک این رخداد علاوه بر آثار و پیامدهای مثبت برای اعضای بریکس، دارای اثرات متناهی نیز برای کشورهای در حال توسعه خواهد بود تا بتوانند از رقابت این‌گونه کشورها برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود جهت سرعت بخشیدن به روند پیشرفت و توسعه همه‌جانبه بهره‌برداری نمایند (ایزدی و مطهری خوشینانی، ۱۳۹۴: ۴۲).

«ایران به‌عنوان یکی از کشورهای قدرتمند با داشتن ذخایر عظیم گاز و نفت و سایر شاخص‌های اقتصادی بالقوه تاکنون نتوانسته آن‌گونه که شایسته است از جایگاه مناسب و مطلوبی در عرصه اقتصاد بین‌المللی برخوردار گردد. زمان نیز موجب از دست رفتن فرصت‌ها و افزایش آستانه تهدید و آسیب‌پذیری اقتصاد ملی خواهد شد. بنابراین شناخت واقعیات و الزامات جهانی شده اقتصاد، برای کارآمد ساختن سیاست خارجی و فراهم کردن زمینه‌های تعامل مؤثر و فعال در این عرصه ضروری است» (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱: ۳۵). «دیپلماسی اقتصادی در کنار کاربرد در سیاست خارجی برای اهداف سیاست داخلی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. دیپلماسی اقتصادی به دنبال تبدیل کردن منابع قدرت موجود در حوزه اقتصاد به قدرت واقعی و در نتیجه، افزایش اقتدار یک ملت است» (سمیعی نسب، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بریکس که جلوه ساختارشکنانه آن را برجسته‌تر می‌کند، تأسیس نهادهای مالی مستقل از نهادهای سلطه جهانی و غرب محور است و از همین نهادها به‌عنوان مهم‌ترین موفقیت‌های بریکس در پیشبرد همگرایی و مهم‌ترین مزیت آن در ساختار جدید اقتصادی جهانی یاد می‌شود که یکی دیگر از جذابیت‌های مهم بریکس برای ایران را شکل می‌دهد. ایران انتظار دارد از نهادهای مالی و سازوکارهای موجود در بریکس برای کاهش از تحریم‌های غربی در روابط اقتصادی با قدرت‌های عضو در گروه استفاده کند (محفوظی موسوی، ۱۴۰۲: ۵۹).

دو نهاد مالی در درون بریکس از ارکان قدرت این گروه محسوب می‌شوند که برای ایران نیز متضمن فرصت‌هایی مالی و تجاری هستند. «بانک توسعه جدید» بریکس مهم‌ترین رکن اقتصادی گروه است که در راستای نقش‌آفرینی مشترک و همگرایی این کشورها در اقتصاد جهانی به وجود آمده است. بر اساس توافقنامه تأسیس بانک توسعه جدید در سال ۲۰۱۴، این بانک از طریق اعطای وام، ضمانت، مشاوره، مشارکت در سهام پروژه‌ها و سایر ابزارهای مالی از پروژه‌های توسعه‌ای دولتی و خصوصی اعضای بریکس حمایت می‌کند. بانک توسعه جدید از روش‌هایی چون ارائه وام به ارزش ملی قدرت‌های عضو بریکس، رمز ارز و همچنین سوآپ ارزی برای ارائه خدمات به اعضا استفاده می‌کند. جدیدترین برنامه این بانک نیز ایجاد سیستم پرداخت تسویه حساب مستقل در چهارچوب بریکس است. ترتیبات ذخیره احتیاطی بریکس یک مکانیسم همکاری مالی برای حمایت از اعضای گروه در چالش‌ها و بحران‌های احتمالی مالی است که توسط کشورهای بریکس در سال ۲۰۱۴ ایجاد شد. مهم‌ترین هدف ایران از عضویت در بریکس، دستیابی به منابع مالی در هر دو نهاد بانک توسعه جدید و مکانیسم ذخیره احتیاطی بریکس است.

جمهوری اسلامی ایران باید برای تسریع در رشد اقتصادی و بهره‌مندی از امکانات مالی، فکری و اجرایی با کشورهای همسوی دارای توان مناسب اقتصادی، موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه امضا کند. مناسبات تجاری دوجانبه به نسبت اقدامات گروهی و گسترده سرعت بیشتری می‌گیرد و در آن، هماهنگی‌های لازم برای تسهیل انتقال منابع روان‌تر خواهد بود. داشتن ارتباط هدفمند و فعال مناسب با سازمان‌ها و نهادهای

بین‌المللی اقتصادی، از شرایط یک دیپلماسی اقتصادی موفق است (سمیعی نسب، ۱۳۹۳: ۱۱۵). سرمایه‌گذاری‌های بریکس در اقتصاد ایران و قبل از همه در بخش حامل‌های انرژی و ایجاد کریدور جنوبی حمل‌ونقل می‌تواند نه تنها توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را به‌طور قابل توجهی تقویت کند بلکه نقش بریکس را در اقتصاد جهانی و از جمله در بازار جهانی مواد هیدروکربنی بالا ببرد. در عین حال نفوذ غرب در فرایندهای جاری در اقتصاد جهانی تضعیف خواهد شد.

۲-۳. دیپلماسی اقتصادی در روابط خارجی ایران با کشورهای بریکس

کشورهای عضو بریکس با تقویت قابلیت‌های اقتصادی، سیاسی و جمعیتی خود می‌توانند قطب‌های اصلی ساختار چندقطبی در جهان آینده باشند. دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می‌شود که بر شناسایی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی، مزیت‌های جهانی و کسب سهمی در بازارهای صادراتی برای تولید داخلی تأکید دارد. بریکس در زمره نهادهای راهبردی و اقتصادی جهانی تلقی می‌شوند که می‌تواند مرزبندی جدیدی را در برابر نظام سیاسی و اقتصادی مسلط جهانی ایجاد کند. چندجانبه‌گرایی در دوران ساختار دوقطبی ماهیت منطقه‌گرایانه داشت؛ درحالی‌که چندجانبه‌گرایی جدید با نشانه‌هایی از نگاه جهانی به اقتصاد بین‌الملل شکل گرفته است (واعظی، ۱۳۹۳: ۸۷). اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و موضع‌گیری‌های آیت‌الله خامنه‌ای در نام‌گذاری سال‌های اخیر با عناوین مختلف اقتصادی و البته فرهنگی حکایت از دغدغه‌های توأمان بهبود رفاه جامعه و بازیگری فعال و تأثیرگذار در فضای اقتصاد جهانی در عین حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های نظام دارد. تأکید مکرر ایشان بر رهایی از فروش مواد خام و روی آوردن به تولیدات تجارت‌محور در همه حوزه‌ها حتی علم و فناوری نشان می‌دهد که اگر بخواهیم کشورها را به لحاظ انتخاب استراتژی توسعه‌ای به دو دسته طرفدار درون‌گرایی و سیاست جایگزینی واردات و کشورهای تعامل‌گرا و طرفدار راهبرد توسعه صادرات تقسیم‌بندی کنیم، راهبرد توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قالب دسته اخیر قرار می‌گیرد؛ یعنی گفتمان کلان حاکم بر

ساختار اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران تولید برای بازارهای جهانی و تبدیل شدن به بازیگری فعال در عرصه اقتصاد سیاسی جهانی است. طبیعتاً دستیابی به این راهبرد یک سلسله ضرورت‌ها و الزامات را برای نهادها و حلقه‌های تصمیم‌گیری کشور ایجاد می‌کند. یکی از مهم‌ترین این نهادها که به‌طور مستمر با کانون‌های سیاسی- اقتصادی منطقه و فرامنطقه در ارتباط است دستگاه دیپلماسی و وزارت امور خارجه است» (دانش نیا، ۱۳۹۱: ۶۹). تضمین هماهنگی و تطبیق بوروکراسی داخلی با نهادهای بریکس در زمینه‌هایی مانند گمرک، تعرفه‌ها و مقررات سرمایه‌گذاری نیز به زمان و بررسی‌های کارشناسی پیچیده‌ای نیاز دارد؛ اما برنامه‌های مربوط به تکمیل کریدورها و بنادر استراتژیک ایران مانند چابهار و کریدور شمال-جنوب که هم روسیه و هم هند عضو آن هستند، می‌تواند به داخل برنامه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بریکس منتقل شود.

نیاز رو به رشد و بلندمدت چین به واردات نفت و گاز نیز باعث شده که این کشور در کنار حیات خلوت انرژی خود یعنی منطقه آسیای مرکز، نگاهی استراتژیک به روابط انرژی با کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه با جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. در حال حاضر نزدیک به ۴۵ درصد از واردات نفت چین از خاورمیانه صورت می‌گیرد و ایران دومین صادرکننده بزرگ نفت به چین پس از عربستان است (احمدی و ریاضی، ۱۴۰۲: ۱۴۱). مناسبات رو به جلو میان چین، روسیه و هند همراه دیگر اعضای بریکس و رویکرد این گروه در قبال ایران به همراه تقاضای فزاینده دو قدرت بزرگ اقتصاد آسیا و ظهور دوباره روسیه‌ای مستقل در روابط بین‌الملل که قدرت آن با منابع انرژی تقویت شده است، این زمینه را برای ایران به وجود آورده است تا به شرکایی مهم در حوزه انرژی و اقتصادی ببیند که البته با جهت‌گیری سیاست خارجی ایران و تمایل بیشتر به شرق به‌ویژه کشورهای چون روسیه، چین و هند همخوانی دارد و می‌تواند زمینه جذب سرمایه‌های بیشتر را در حوزه انرژی از طریق کنسرسیوم شرکت‌های نفت اوراسیا و همچنین توسعه بازارها در عرصه را به همراه تقویت مناسبات منطقه‌ای در این ارتباط فراهم آورد.

۲-۴. مشارکت در گذار به نظام چندقطبی

اقتصاد جهانی در حال تغییر پارادایم از مدل تحت سلطه غرب به سمت چندقطبی شدن است و در واقع مراکز تولید، مصرف و نوآوری در انحصار قدرت‌های اقتصادی غربی نیستند. بریکس از سازوکارهای مهمی است که امکان مشارکت ایران در گذار به نظام چندقطبی را فراهم می‌سازد (ولیزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در گام نخست باید به این قضیه توجه داشت که نقش‌آفرینی مؤثر در تحولات منطقه‌ای و اثرگذاری جهانی مستلزم برخورداری کشور از پشتوانه‌های قدرتمند مردمی در عرصه داخلی است و این شرایط مهیا نمی‌شود جز با پیشرفت در عرصه اقتصاد و سیاست. از این رو، برای برخورداری از جایگاه مناسب در نظم جدید جهانی، ایران باید توانایی‌های خود را در حوزه‌های اقتصادی توسعه دهد. بریکس به‌عنوان یک ائتلاف فراقاره‌ای، ساختاربندی جدید برای سیاست و اقتصاد جهانی و تنها ائتلاف قدرتمند جهانی برای بدون مشارکت آمریکا و اروپا است که این ظرفیت را دارد که بستر گذار به نظام چندقطبی را فراهم سازد (خلفی و فیضی، ۱۳۹۸: ۲۸۸). «بریکس به‌عنوان بازیگر اصلی بین‌قاره‌ای، در تمام قاره‌های جنوبی جهان، در موافقت‌نامه‌های دوجانبه و منطقه‌ای حضور دارد و بر همبستگی جنوب-جنوب و همکاری افقی در مقابل سلطه غرب تأکید دارد. در حقیقت، بریکس به دنبال رهبری جهان در حال توسعه است و به نمایندگی از این کشورها در جامعه جهانی، G20، شورای امنیت سازمان ملل و همایش جهانی آب‌وهوا، صحبت می‌کند و برتری غرب در سیاست بین‌الملل را به چالش می‌کشد، نشست‌های بریکس که از سال ۲۰۰۸ آغاز شده، فراتر از زمینه‌های اقتصادی است و طیف گسترده‌ای از مسائل در سطح حکومت جهانی را در برمی‌گیرد؛ در واقع، عملکرد بریکس به‌عنوان بازیگر سیاست خارجی فقط تشکیل بلوک اقتصادی، ابتکارات و اصلاحات و تغییر در نظام بین‌الملل نیست، بلکه بریکس بر این موضوعات نیز در نشست‌های خود تأکید می‌کند. نمایندگان بریکس، درباره امنیت سایبر، مبارزه با تروریسم، امنیت حمل‌ونقل و بحران‌های منطقه‌ای در نشست خود بحث کردند و یک گروه کاری در زمینه امنیت سایبر تشکیل دادند. از سال ۲۰۱۱، در حاشیه اجلاس

سازمان بهداشت جهانی نشست‌های وزیران بهداشت بریکس را مرتب برگزار می‌کند» (Cattaneo et al., 2022: 45).

«علاوه بر هماهنگی با دستور کار سازمان بهداشت جهانی، این گروه امکان تأسیس شبکه همکاری‌های فناوری را فراهم می‌کند. بریکس معتقد است که تغییرات آب‌وهوایی یک تهدید جدی است که نیاز به تقویت اقدام جهانی دارد. بریکس در اجلاس سال ۲۰۱۵، آمادگی خود را برای تغییرات آب‌وهوایی در جهان و در سطح ملی و دستیابی به توافق جامع و عادلانه تحت کنوانسیون سازمان ملل درباره تغییرات آب‌وهوا بیان کرد. بریکس از جامعه بین‌الملل درخواست می‌کند که تلاش‌های لازم را برای مبارزه با فقر، محرومیت اجتماعی و نابرابری با توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه، کمتر توسعه‌یافته، جزایر کوچک و کشورهای آفریقایی انجام دهند» (Smirnov & Avdeeva, 2019: 6).

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌توانند نقش مهمی در تسهیل همکاری‌های ایران و بریکس ایفا کنند. به‌عنوان مثال، بانک توسعه جدید بریکس می‌تواند منابع مالی لازم برای پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای در ایران را فراهم کند. این بانک که با هدف حمایت از پروژه‌های توسعه‌ای در کشورهای عضو بریکس و دیگر کشورهای در حال توسعه تأسیس شده است، می‌تواند به کاهش وابستگی ایران به نهادهای مالی غربی کمک کند. همچنین مکانیسم ذخیره احتیاطی بریکس می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مالی برای مقابله با مشکلات تراز پرداخت‌ها و فشارهای نقدینگی کوتاه‌مدت در کشورهای عضو از جمله ایران عمل کند، این مکانیسم بدون تحمیل شرایط سخت‌گیرانه، می‌تواند به پایداری مالی کمک کند. قرار گرفتن در زمره طراحان و شکل‌دهندگان به نظم جدید بین‌المللی نیازمند برخورداری توأمان از ابزارهای قدرت سخت و نرم است و از این رو سیاست خارجی گفتمان اسلامی ایران نیز برای دستیابی به جایگاهی شایسته در نظم نوین باید به‌طور هم‌زمان به تقویت عناصر قدرت سخت و نرم خود بپردازد و البته با توجه به نقش انگاره‌ها، هنجارها و تصاویر ذهنی، لازم است بیش از هر چیز به دنبال اقتدار و نفوذ نرم در عرصه داخلی، منطقه‌ای و جهانی باشد. استدلال سیاست «نگاه به شرق» گفتمان انقلاب اسلامی بر این استدلال مبتنی است که چین و روسیه در آینده، نظمی در برابر نظم

بین‌المللی موجود تشکیل می‌دهند و ایران با قرار گرفتن در اردوگاه این نظم، هم می‌تواند از فشارهای آمریکا علیه خود بکاهد و هم به‌عنوان بازیگری کلیدی در نظم چینی-روسی ایفای نقش نماید. البته نباید به این موضوع مهم بی‌توجه بود که خود چین و روسیه در یک نظم بین‌المللی حضور دارند که در آن قدرت‌های بزرگ جهانی بر سر منافع مشترک چانه‌زنی می‌کنند.

۲-۵. افزایش نفوذ سیاسی ایران در منطقه و مقابله با تحریم‌ها

گرچه تمرکز اولیه بریکس بر مسائل اقتصادی و مالی بود؛ اما با توجه به وابستگی متقابل سیاست بین‌الملل و مسائل اقتصادی و نیاز به اصلاح سازمان ملل، اجلاس سران «بریکس» در اعلامیه خود تأکید کرد که اصلاح جامع سازمان ملل از جمله شورای امنیت آن به‌منظور افزایش نمایندگی و کارآمدی و در نتیجه پاسخ‌گویی بیشتر آن به چالش‌های جهانی یک ضرورت است. تهران در صورت عضویت در بریکس مواضع سیاسی خود را در نظام مناسبات بین‌المللی به‌طور چشمگیری تقویت خواهد کرد؛ زیرا این باشگاه در اتخاذ تصمیمات راهبردی نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کند. البته در این روابط سود متقابلی در کار است؛ جمهوری اسلامی ایران که در مرکز خاور نزدیک و میانه واقع شده است، برای بریکس جایگاه کلیدی در این منطقه را تضمین خواهد کرد. صدای تهران در امور جهانی بلندتر خواهد شد و پیوستن تهران به عضویت این سازمان یک کمبود آن یعنی فقدان نماینده با نفوذ جهان اسلام را جبران خواهد کرد (ایزدی و مطهری خوشینانی، ۱۳۹۴: ۴۲).

گسترش روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای بریکس در قالب دیپلماسی اقتصادی، زمینه همسویی و همکاری سیاسی بیشتر با کشورهای بریکس را فراهم خواهد ساخت.

در مناقشه فلسطین-اسرائیل، بحران اوکراین، سوریه و یمن، کشورهای بریکس تقریباً مواضع یکسانی با جمهوری اسلامی ایران داشتند و این همسویی و همفکری، چشم‌انداز تقویت قدرت شرق در برابر قدرت غرب را خاطر نشان می‌سازد. کشورهای آسیایی،

آفریقایی و آمریکای لاتین دارای ویژگی‌ها و مزیت‌هایی هستند که برقراری روابط متوازن و متناسب ایران با آن‌ها را عقلانی و ضروری می‌سازد. اولاً، دو قدرت بزرگ جهانی عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، یعنی چین و روسیه کشورهای شرقی هستند. ثانیاً، کشورهای نوظهور عضو بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) که نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار قدرت جهانی دارند و خواهند داشت در این سه قاره قرار دارند. بسیاری از آینده‌پژوهان بر این قائل‌اند که این چند کشور، سهم عمده اقتصاد بین‌المللی در آینده را در اختیار خواهند داشت. از همین رو ایران برای ارتقای جایگاه و بازیگری خود در نظام بین‌الملل باید روابط متوازن و متقابلی با این کشورها برقرار کند. ثالثاً، اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عضو جنبش عدم تعهد که منافع و مسائل نسبتاً مشترکی با ایران دارند در این سه منطقه قرار دارند. بنابراین ایران می‌تواند از ظرفیت و قابلیت این کشورها برای تأمین اهداف و منافع ملی خود استفاده بهینه کند که مواضع کشورهای غیرمتعهد در قبال پرونده هسته‌ای ایران مؤید همین امر است. چهارم هم اینکه اکثر کشورهای مسلمان و تمامی همسایگان ایران که محیط امنیت پیرامونی آن را تشکیل می‌دهند در این مناطق قرار دارند و قابل ذکر است که اشتراکات ارزشی و دینی و قرابت جغرافیایی، از جمله مؤلفه‌های مهم اولویت یافتن کشورها در سیاست خارجی یک کشور هستند» (دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۴: ۱۱).

نکته دیگر در کارکردهای سیاسی دیپلماسی اقتصادی ایران با بریکس به کاهش یافتن اثرات تحریم و تأمین امنیت اقتصادی مربوط می‌شود. عصر پرچالش کنونی که برای جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌ها و دشواری‌های فراوان و ویژه‌ای را یدک می‌کشد، نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ یک نظام اقتصادی متناسب با این تحولات و چالش‌های خاص، فرا می‌خواند. در واقع حیات نظام اقتصادی کشور در گرو مقاومتی علیه آماج حملات اقتصادی و سیاسی بیرونی و شوک‌ها و تهدیدات داخلی است که علاوه بر کارآمدی در اداره معیشت جامعه بتواند حضور فعال جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان الگو و الهام‌بخش در تحولات جهان میسر سازد. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در سه دهه اخیر بیشترین و گسترده‌ترین تحریم‌ها را متحمل شده

است. تحریم اقتصادی شرایط اقتصادی کشور را در وضعیتی قرار می‌دهد که با اغلب فروض اساسی علم اقتصاد در تناقض است. حرکت آزادانه سرمایه برای کسب سود بیشتر در شرایطی که کشوری در تحریم قرار دارد، فارغ از معنای عملی و قدرت سیاست‌گذاری است. اعمال سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌های خارجی در دوران تحریم موفق نخواهد بود. اعمال سیاست‌های ارزی برای مدیریت تجارت خارجی کشور تحت تأثیر شرایط تحریم کاملاً متفاوت است. سیاست‌های کلان اقتصادی برای کشوری که امکان تحریم شدن اقتصادی را همواره دارد، متفاوت با کشوری است که دچار این تهدید نیست. کشورهای دچار تحریم عموماً به سیاست‌های خوداتکایی و خودکفایی درون‌زا نیاز دارند (سمیعی نسب، ۱۳۹۳: ۱۳۳). در کل، با توجه به تحریم‌های اقتصادی آمریکا و غرب علیه ایران، عضویت در بریکس می‌تواند به کاهش تأثیر این تحریم‌ها کمک کند. کشورهای بریکس ممکن است به‌عنوان متحدان استراتژیک در مواجهه با فشارهای بین‌المللی عمل کنند.

۳. چالش‌ها و ضرورت‌های همکاری‌ها در سیاست خارجی گفتمان انقلاب اسلامی

ایران و بریکس

در این قسمت به بررسی چالش‌ها و ضرورت‌های همکاری‌های ایران و بریکس پرداخته می‌شود.

۱-۳. چالش‌ها

در مسیر همکاری‌های ایران و بریکس چندین چالش اساسی وجود دارد که باید به آن‌ها توجه شود:

۱. موانع رقابتی: با وجود پتانسیل‌های بالای همکاری میان کشورهای بریکس موانع و چالش‌های رقابتی متعددی وجود دارد که تاکنون مانع از همکاری مؤثر شده‌اند. این موانع شامل تحریم‌های اقتصادی غربی علیه ایران مشکلات حقوقی و مقرراتی، تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی و نیز مسائل مرتبط با زیرساخت‌های ضعیف

در برخی از کشورها می‌شود (Mancheri & Shantanu, 2011: 58). همچنین رقابت بین کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و دسترسی به بازارهای جدید نیز یکی دیگر از چالش‌های پیش‌رو است.

۲. تحریم‌ها: یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها تحریم‌های اقتصادی و مالی اعمال شده توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه ایران است. این تحریم‌ها نه تنها تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی را محدود کرده‌اند بلکه باعث ایجاد مشکلات مالی و بانکی برای ایران در تعامل با دیگر کشورها شده‌اند (Nader, 2015: 41). وزارت خزانهداری آمریکا در فوریه ۲۰۲۵، بانک‌های چینی و هندی را که در تسهیل مبادلات غیر دلاری ایران و روسیه نقش داشته‌اند، تحت تحریم‌های ثانویه قرار داده است. این تحریم‌ها شامل قطع دسترسی به سیستم بانکی آمریکا و مسدودسازی دارایی‌های این مؤسسات در خاک ایالات متحده است. ترامپ برای جلوگیری از بهره‌مندی ایران از ظرفیت بریکس، کشتی‌هایی که نفت ایران یا روسیه را حمل کنند، از دسترسی به بنادر اروپایی و آمریکایی محروم خواهد کرد.

۳. فشارهای آمریکا بر اعضای بریکس: آمریکا با استفاده از اهرم‌های اقتصادی، سعی دارد کشورهایی مانند عربستان سعودی و اندونزی را از پیوستن به بریکس منصرف کند و اشینگتن به برزیل هشدار داده است که در صورت تداوم همکاری با بریکس، ممکن است قراردادهای کشاورزی با این کشور را لغو کند. همچنین ترامپ قصد دارد با احیای «شورای تجاری ترانس آتلانتیک» (TTC)، اتحادیه اروپا را متقاعد کند که به جای همکاری با بریکس، به بلوک غرب بپیوندد. پیشنهاد او شامل کاهش تعرفه‌های صنعتی و همکاری در فناوری‌های حساس است. تحریم شرکت‌های فناوری همکار با بریکس، دیگر اقدام ترامپ مانند تحریم شرکت چینی «هیک ویژن» (ABS-CBN) خواهد بود که در توسعه سیستم‌های نظارتی بریکس مشارکت داشت و هدف تحریم آمریکا قرار گرفت. در تازه‌ترین موضع‌گیری‌ها، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد: «دوره اینکه کشورهای عضو بریکس تلاش کنند از دلار فاصله بگیرند و ما فقط نظاره‌گر باشیم، تمام شده است». این تازه‌ترین

تلاش آمریکا برای تداوم تسلط بر اقتصاد جهان با اسلحه دلار است. این رویکرد در کنار تحریم‌ها از چالش‌های اصلی همکاری ایران و بریکس است (Guldogan, 2025).

۴. مسائل حقوقی و مقرراتی: تفاوت در سیستم‌های حقوقی و مقرراتی بین ایران و کشورهای بریکس می‌تواند مشکلاتی را در زمینه اجرای قراردادها و همکاری‌های تجاری ایجاد کند این تفاوت‌ها می‌تواند باعث بروز اختلافات حقوقی و تأخیر در اجرای پروژه‌ها شوند (Kali & Reyes, 2007: 595).

۵. ضعف تولید و مشکلات اقتصادی ایران: یکی از چالش‌های مهم فراوری فعالیت تأثیرگذار ایران در بریکس ضعف تولید و مشکلات اقتصادی ایران است. یکی از الزامات فعالیت مؤثر در بریکس، داشتن تولید اقتصادی است. مسئله اصلی تسهیل مراودات تجاری است و انتظار می‌رود تبادل تجاری، صادرات و واردات بین اعضا از نظر تعرفه، قوانین بسیار آسان‌تر صورت گیرد واقعیت این است که در این پیمان، چین قدرت اصلی و صحنه‌گردان است و بعد از چین قدرت‌های نوظهور هندوستان و برزیل هستند. حجم مراودات تجاری چین با اعضای بریکس در سال ۲۰۲۲ برابر با ۵۴۰ میلیارد دلار بوده است. از سوی دیگر حجم مراودات تجاری چین با ایران فقط ۱۵ میلیارد دلار بوده است.

۶. ناهمگون بودن ترکیب بریکس: ترکیب بریکس در مقایسه با غالب گروه‌های سیاسی و اقتصادی نشان‌دهنده ترکیبی ناهمگون است. گروه یاد شده ترکیبی از کشورهای آسیایی، آفریقایی اروپایی و آمریکای جنوبی است. آمیزه‌ای از قدرت‌های اقتصادی نوظهور با نظام‌های کمونیستی و سرمایه‌داری، کشورهای دارای فناوری هسته‌ای اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و بالاخره کشورهای پرجمعیت جهان که نیمی از مردم کره زمین را در خود جای داده‌اند. برای گروه بریکس ایفای نقش هماهنگ چندان هم عاری از دردسر نبوده و نیست کشورهای عضو بریکس یا نابرابری اقتصادی روبه‌رو هستند و میانگین امید به زندگی در آن‌ها از هفت کشور صنعتی جهان پایین‌تر است. کشورهای عضو این گروه هر چند اقتصادهای نوظهور قلمداد می‌شوند؛ اما تفاوت‌های زیادی آن‌ها را از همدیگر متمایز کرده است.

این درست همان مانعی است که بریکس باید برای رسیدن به موفقیت بیشتر و ایفای نقش برتر در اقتصاد جهانی از سر راه خود بردارد (زمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

درحالی که بریکس در بیانیه‌های سیاسی و اقتصادی خود به‌عنوان یک اپوزیسیون نظام بین‌الملل خواستار ایفای نقش بیشتری برای کشورهای در حل توسعه است؛ اما در مواردی از جمله بحران‌های حساس بین‌المللی با موضع‌گیری و آرای متفاوت در مجامع جهانی ضعف خود را در اتخاذ یک موضع هماهنگ در مقابل قدرت‌های جهانی به نمایش گذاشته است به‌عنوان مثال در مورد بحران لیبی و سوریه نتوانستند از خود موضع مشترکی را به نمایش بگذارند. در مورد قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت که منجر به ایجاد منطقه ممنوعه پروازی در لیبی شد. آفریقای جنوبی به آن رأی مثبت داد در ارتباط با قطعنامه محکومیت بشار اسد نیز هند، برزیل و آفریقای جنوبی با رأی موافق خود برخلاف رأی وتوی چین و روسیه عمل کردند. به نظر می‌رسد بریکس یک گروه ناهمگون متشکل از دولی است که شرایط سیاسی داخلی حاکم بر آن‌ها تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند که همسو شدن آن‌ها را به‌عنوان یک بلوک و یا قطب سیاسی دشوار می‌نماید.

از نظر سیاسی بین اعضای بریکس تفاوت‌های زیادی وجود دارد. درحالی که بریکس در بیانیه‌های سیاسی و اقتصادی خود به‌عنوان یک اپوزیسیون نظام بین‌الملل خواستار ایفای نقش بیشتری برای کشورهای در حل توسعه است؛ اما در مواردی از جمله بحران‌های حساس بین‌المللی با موضع‌گیری و آرای متفاوت در مجامع جهانی ضعف خود را در اتخاذ یک موضع هماهنگ در مقابل قدرت‌های جهانی به نمایش گذاشته است به‌عنوان مثال در مورد بحران لیبی و سوریه نتوانستند از خود موضع مشترکی را به نمایش بگذارند. برخی از رقابت‌ها و اختلافات از جمله دشمنی دیرینه و اختلافات ارضی میان هند و چین در تبت، رقابت چین و روسیه در آسیای مرکزی، روابط نزدیک هند و آمریکا با هدف متوازن ساختن قدرت چین در آسیای شرقی و غربی، دوستی و نزدیکی چین با پاکستان که از سوی هندی‌ها ائتلافی ضد هندی محسوب می‌شود، ماجراجویی روسیه در شرق اروپا و بحران اوکراین که مورد رضایت چین و سایر کشورهای عضو بریکس نیست، تعلق خاطر و وابستگی برزیل و آفریقای جنوبی به حوزه فرهنگی غرب و تمایل و

گرایش آن‌ها به مواضع سیاسی غرب، نگاه صرفاً اقتصادی و طمع برزیل و آفریقای جنوبی به منابع سرشار مالی چین و نیاز اقتصادی چین به سرمایه‌گذاری در منابع و مواد اولیه برزیل و آفریقای جنوبی برای تداوم رشد اقتصادی در کنار وابستگی و پیوندهای عمیق و انکارناپذیر چین به اقتصاد آمریکا و غرب، بخش مهمی از ویژگی‌هایی است که ناتوانی بریکس را در ایفای نقشی فعال در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های بین‌المللی به نمایش می‌گذارد.

۲-۳. راهکارها

۱. راهبردهای دیپلماتیک: برای تسهیل همکاری بین ایران و بریکس راهبردهای دیپلماتیک متعددی می‌تواند مؤثر باشد از جمله این راهبردها می‌توان به ایجاد کانال‌های دیپلماتیک منظم بین ایران و کشورهای عضو بریکس اشاره کرد برگزاری نشست‌های دوره‌ای و استفاده از ظرفیت‌های موجود در نهادهای منطقه‌ای مانند اتحادیه همکاری‌های اقتصادی اوراسیا^۱ و سازمان همکاری شانگهای^۲ می‌تواند به تقویت روابط کمک کند (Naidu, 2011: 27). علاوه بر این، ایران می‌تواند با تمرکز بر دیپلماسی چندجانبه و حمایت از ابتکارات بریکس در مجامع بین‌المللی جایگاه خود را در این گروه تقویت کند (Vasiliev et al., 2019: 9).

۲. ایجاد توافق‌نامه‌های تجاری ترجیحی: ایران می‌تواند با کشورهای عضو بریکس توافق‌نامه‌های تجاری ترجیحی منعقد کند تا تعرفه‌های گمرکی و موانع غیر تعرفه‌ای کاهش یابد این اقدام می‌تواند تجارت دوجانبه را تسهیل و هزینه‌های تجاری را کاهش دهد (Smirnov & Avdeeva, 2019: 6).

۳. تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای بریکس می‌تواند شامل تسهیلات مالیاتی تضمین‌های حقوقی و تسهیل فرایندهای اداری باشد. این امر می‌تواند به توسعه زیرساخت‌ها و افزایش تولیدات داخلی کمک کند (Vasiliev et al., 2019: 9).

1. Eurasian Economic Union

2. Organization Shanghai Cooperation

۴. تقویت همکاری‌های فناورانه و علمی ایجاد برنامه‌های مشترک پژوهشی و توسعه‌ای تبادل دانشجو و محقق و حمایت از پروژه‌های مشترک در حوزه‌های فناوری پیشرفته می‌تواند به انتقال فناوری و دانش فنی بین ایران و کشورهای بریکس کمک کند.

۵. ایجاد مکانیسم‌های مالی جایگزین برای کاهش تأثیر تحریم‌های ایران و کشورهای بریکس می‌تواند مکانیسم‌های مالی جایگزین ایجاد کند؛ به‌عنوان مثال استفاده از ارزهای ملی در تجارت دوجانبه و ایجاد سیستم‌های پرداخت مستقل می‌تواند به کاهش وابستگی به سیستم مالی غرب کمک کند.

۶. تبادل برنامه‌های تبادل فرهنگی و آموزشی می‌تواند به کاهش تفاوت‌های فرهنگی کمک کند. برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک تبادل دانشجو و محقق و برنامه‌های فرهنگی می‌تواند به افزایش درک متقابل و همکاری‌های مؤثرتر بین ایران و کشورهای بریکس منجر شود (Smirnov & Avdeeva, 2019: 6).

۷. همگرایی مقرراتی ایجاد یک چهارچوب حقوقی و مقرراتی مشترک می‌تواند به کاهش اختلافات حقوقی کمک کند. کشورهای بریکس می‌توانند از طریق توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه هماهنگی بیشتری در مقررات تجاری و سرمایه‌گذاری ایجاد کنند (Naidu, 2011: 27).

۸. نقش بخش خصوصی: بخش خصوصی می‌تواند نقش مهمی در تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین ایران و بریکس ایفا کند:

الف: تشویق سرمایه‌گذاری مشترک

شرکت‌های خصوصی می‌توانند با ایجاد شرکت‌های مشترک و پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک، به توسعه زیرساخت‌ها و افزایش تولیدات کمک کنند این همکاری‌ها می‌تواند به انتقال فناوری و دانش فنی نیز منجر شود (Kali & Reyes, 2007: 595).

ب: شبکه‌سازی و ایجاد کنسرسیوم‌های صنعتی

ایجاد کنسرسیوم‌های صنعتی و شبکه‌های تجاری بین شرکت‌های خصوصی ایران و کشورهای بریکس می‌تواند به افزایش همکاری‌های تجاری کمک کند. این شبکه‌ها می‌توانند به اشتراک‌گذاری منابع افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها منجر شوند. عضویت

ایران در بریکس از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، استراتژیک و فرهنگی دارای اهمیت زیادی است. این عضویت می‌تواند به تقویت موقعیت ایران در عرصه بین‌المللی، افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری، کاهش تأثیر تحریم‌ها و توسعه همکاری‌های فناورانه و علمی کمک کند؛ اما برای تحقق چنین امری، لازم است زیرساخت‌های بهره‌گیری از بریکس فراهم و در راستای رفع چالش‌ها در این خصوص اقدام شود.

۴. نتیجه‌گیری

بریکس به‌عنوان نهاد همکاری میان قدرت‌های در حال ظهور از پنج قدرت در حال توسعه از قاره‌های مختلف که تمایل دارند سهم خود را از قدرت جهانی افزایش دهند در جهت اهداف خود استفاده نموده است. اعضای این نهاد با گسترش همکاری و تعامل، اهداف و مواضع خود را تعریف نموده و تلاش کردند در یک مسیر مشترک، یعنی تحول نظام بین‌الملل به سمت یک نظام دموکراتی‌تر و عادلانه‌تر که در نتیجه آن منجر به افزایش حضور و توان قدرت‌های در حال ظهور شود، گام بردارند. چین به‌عنوان یکی از اعضای این ائتلاف نسبت به سایرین از جایگاه مطلوب‌تری برخوردار است، توان و ظرفیت لازم برای حضور در عرصه بین‌المللی را بیش از پیش کسب نموده است و تمایل دارد ضمن گسترش نقش خود در روند تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی، زمینه‌ساز ایجاد سیستم چندجانبه منصفانه، دموکراتیک و متعادل گردد. همکاری با بریکس می‌تواند به کاهش وابستگی ایران به نهادهای مالی غربی و تحریم‌های اقتصادی کمک کند. با توجه به منابع طبیعی غنی و موقعیت جغرافیایی استراتژیک، ایران این کشور می‌تواند به‌عنوان یک شریک کلیدی در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای ایفای نقش کند همکاری در زمینه‌های فناوری زیرساخت‌ها و پژوهش‌های علمی می‌تواند به توسعه اقتصادی و انتقال دانش فنی کمک کند. تاریخچه بریکس نشان می‌دهد که این گروه با هدف ترویج همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بین کشورهای نوظهور تشکیل شده است. ایران با توجه به پتانسیل‌های اقتصادی خود می‌تواند نقش مهمی در این همکاری‌ها ایفا کند روابط اقتصادی ایران با کشورهای عضو بریکس از طریق، تجارت سرمایه‌گذاری و همکاری‌های صنعتی پیشرفته

قابل توجهی داشته است؛ اما چالش‌های متعددی مانند تحریم‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و مسائل حقوقی همچنان وجود دارد. در آینده همکاری‌های ایران با بریکس می‌تواند به تقویت نقش این کشور در منطقه و جهان منجر شود. با اتخاذ راهبردهای دیپلماتیک مناسب ایجاد توافق‌نامه‌های تجاری، ترجیحی و تشویق سرمایه‌گذاری‌های مشترک ایران می‌تواند موانع موجود را کاهش داده و از فرصت‌های همکاری بهره‌برداری کند نقش بخش خصوصی نیز در تقویت این همکاری‌ها بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند به افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها منجر شود.

در مجموع همکاری ایران با بریکس نه تنها می‌تواند به توسعه اقتصادی ایران کمک کند بلکه می‌تواند به ایجاد یک نظم چندقطبی جهانی و تقویت نقش کشورهای نوظهور در مدیریت جهانی منجر شود برای دستیابی به این هدف لازم است ایران و کشورهای بریکس با همبستگی و تعامل نزدیک‌تر بر چالش‌ها غلبه کرده و از فرصت‌های موجود بهره‌برداری کنند. هرچند رویکرد بریکس نسبت به نظام چندقطبی همسو با استراتژی تجدیدنظرطلبانه گفتمان انقلاب اسلامی در برابر نظم مستقر است؛ اما این امر نیازمند برخورداری از توان مادی لازم است تا از آن طریق بتوان در برابر نظم مستقر ایستاد و آن را به چالش کشید یا حتی نظمی در برابر آن ایجاد کرد. گفتمان انقلاب اسلامی از بدو تأسیس تاکنون فاقد فاکتورهای مادی لازم برای پیشبرد سیاست خارجی تجدیدنظرطلبانه خود بوده است. در این میان مهم‌ترین فاکتور مورد نیاز، در مرحله اول توان اقتصادی است که در مراحل بعدی باید قابلیت ترجمه شدن در عرصه‌های تکنولوژی و نظامی را داشته باشد. این عدم برخورداری از توانایی‌های مادی، موجب شده که اهداف و ابزارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی با یکدیگر هم‌خوانی نداشته باشند.

فهرست منابع:

- احمدی، حسین؛ ریاضی، مهدی (۱۴۰۲). «آینده گروه بریکس و تأثیر راهبردی آن بر نظم پولی و مالی جهان»، مجله اقتصاد دفاع، دوره ۲۹، شماره ۱، ۱۶۴-۱۳۵.
- ایزدی، جهانبخش؛ مطهری خوشینانی، مصطفی (۱۳۹۴). «اتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۳۱، شماره ۸، ۶۸-۴۱.
- حیدری، محمد؛ انعامی علمداری، سهراب (۱۳۹۱). «دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۲۰، شماره ۸، ۴۱-۳۵.
- خردمندان، آرزو؛ جلال‌پور، شیوا؛ شهابی، روح‌اله؛ یوسفی، بهرام (۱۳۹۹). «عضویت جمهوری اسلامی در بریکس؛ محدودیت‌ها و فرصت‌ها»، مجله جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۱۰، شماره ۴، ۱۱۸-۱۰۷.
- خلفی، جعفر؛ فیضی، فاضلی (۱۳۹۸). «جایگاه گروه بریکس در روابط شمال و جنوب»، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۳۸، شماره ۱، ۲۷۳-۲۹۱.
- دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۱). «دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا- ابزارهای راهبر توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۳، شماره ۶، ۷۰-۶۹.
- دلاور، حسین؛ اسلامی، محسن؛ موسوی شقایبی، سید مسعود (۱۴۰۱). «موازنه‌سازی نرم چینی و مشارکت اقتصادی در بریکس»، مجله پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره ۲۱، ش ۱، ۱۶۷-۱۴۴.
- دهشیری، محمد رضا؛ بهرامی، زهرا (۱۳۹۴). «نگاه استراتژیک چین به بریکس»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۸۹، شماره ۱، ۳۳-۶۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۹، شماره ۱، ۱۰-۲۹.
- زمانی، ناصر (۱۳۹۲). «چشم‌انداز اقتصادی- سیاسی بریکس»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۷، شماره ۱، ۱۳۱-۱۲۳.

- سعیدی، رضا؛ سعیدی، خلیل؛ دهقانی، علی (۱۳۹۳)، «امکان‌سنجی ایجاد موافقت‌نامه تجارت ترجیحی ایران با کشورهای گروه بریکس»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۲، شماره ۶۹: ۱۳۰-۱۰۷
- سلیمان‌پور، هادی؛ مولایی، عباداله (۱۳۹۲). «قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل»، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۵، شماره ۱، ۲۵-۱۰.
- سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۳). «دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۲۵، شماره ۷، ۱۳۷-۱۱۵.
- سیمبر، رضا؛ بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳)، «مخاطرات رشد در سیاست بین‌الملل»، نشریه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۱، ۷-۴۱.
- شاکری فر، الناز (۱۴۰۱). «بررسی روابط تجاری، سیاسی و فرهنگی دوجانبه منطقه‌ای بین ایران و بلوک نوظهور بریکس قبل و بعد از تشکیل بلوک تا پایان سال ۲۰۱۸»، سومین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، تهران، ۳۰۲-۲۸۸.
- شیرخانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۳). «موازنه نرم؛ بریکس و چالش برتری آمریکا». پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۹، شماره ۹، ۱۵۹-۱۵۰.
- فاطمی نژاد، احمد و همکاران (۱۳۹۴). «نوظهور نسبت به نظام تک‌قطبی - همراهی یا موازنه‌گری با مطالعه کشورهای بریکس»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۲۳، شماره ۳، ۵۹-۴۵.
- محفوظی موسوی، سید حسن (۱۴۰۲). «انبارهای مالی جدید بریکس در خدمت اقتصاد ایران»، مجله تازه‌های اقتصاد، دوره ۱۰۷، شماره ۱، ۶۵-۵۹.
- مرزبانی، فروزان؛ پلونده، حسین (۱۳۹۹). «چشم‌انداز عضویت ایران در بریکس و تحلیل ظرفیت‌های آن در آینده مناسبات دو طرف»، مجله پژوهش ملل، دوره ۶۱، شماره ۱، ۷-۲۹.
- منصور، میلاد؛ حیدرپور، ماشاالله؛ ترابی، محمد (۱۴۰۱)، «تحلیل افتراق توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی (بریکس)، با نظریه روستو»، مجله سیاست پژوهی ایرانی، دوره ۳۳، شماره ۱، ۷-۲۶.

- میرترابی، سعید؛ فلاح، مهرداد (۱۴۰۲). «شکل‌گیری نظم جدید اقتصاد جهان در بریکس»، مجله تازه‌های اقتصاد، دوره ۱۷۸، شماره ۱، ۵۴-۵۲
- واعظی، محمود و همکاران (۱۳۹۳). «راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، چاپ اول، تهران، انتشارات واحد اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
- ولی‌زاده، اکبر؛ هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۲). «ژئوپلیتیک انرژی بریکس و جایگاه ایران»، مجله سیاست، دوره ۲۶، شماره ۱، ۹۹-۱۲۰.
- Cattaneo, O; Gereffi, G & Staritz, C. (2022). *Global Value Chains in a Postcrisis World A Development Perspective*, 1nd Edition, Washington, Publisher Washington D C the World Bank.
- Desai, R. M. & Vreeland, J. (2014). «What the New Bank of BRICS is bout», *Accessibel in <http://www.brookings.edu/research/opinions/1101112102-new-bankbrics-desai>*.
- Guldogan, Diyar. (2025). *No chance for BRICS countries to replace US dollar: Trump If they do, they will face 100% tariffs, US president threatens*, <https://www.aa.com.tr/en>.
- Kali, R. & Reyes, J. (2007). «The architecture of globalization a network approach to international economic integration», *Journal of International Business Studies*, 38(4): 595-620.
- Lavelle, D. (2013). «BRICS to re-rate the world Special to the BRICS Post», *Accessible in <http://thebricspost.com>*.
- Lukyanov, F. (2013). «What holds the BRICS together, Special to The BRICS Post», *Accessible in <http://thebricspost.com>*.
- Mancheri, N. & Shantanu, N. (2011). «The BRICS and the Future of Global Order», *Journal of EFSAS*, 2(9): 58-93.
- Ministry of External Relations of Brazil (2015), *Treaty for the Establishment of a BRICS Contingent Reserve Arrangement- Fortaleza, July 15, Art. 2(a)*, <http://brics.itamaraty.gov.br/media2/press-releases/220-treaty-for-theestablishment-of-a-brics>
- Nader, A. (2015). «The Days After a Deal with Iran Continuity and Change in Iranian Foreign Policy», *Journal of Rand Corporation*, 19(23): 41-45.
- Naidu, S. (2011). *China–South Africa Relations in the Context of BRICS*, 1nd Edition, China- India, Publisher Springer.
- Ramazani, R.K. (2013). *Independence without Freedom IranIran's Foreign Policy*, 1nd Edition, Charlottesville, University of Virginia Press.
- Rauch, J. E & Trindade, V. (2002). «Ethnic Chinese networks in international trade», *Review of Economics and Statistics*, 84(1): 116-130.
- Smirnov, S. V., & Avdeeva, D. A. (2019). *BRICS in the Global Economy. Business Cycles in BRICS*.
- Valizadeh, A. & Houshiasadat, S. M. (2013). «Iran and the brics the enrgy factor», *Iranian review of foreign affairs*, 3(23): 165-190.
- Vasiliev, S; Movchan, A; Topychkanov, P & Gabuev, A. (2019). «Why do

Brazil- Russia- India and China need BRICS?», Journal of Carnegie Moscow Center, 5(10): 9-28.